دستورات آیة الحقّ

مرحوم حاج میرزا علی قاضی طباطبائی رضوان الله علیه

در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان

 مهرتابناک، ص 225:

 اصل این دستور را حضرت علّامه آیة اللَه سید محمّد حسین حسینی طهرانی أفاض اللَه علینا من برکات تربته، در سال آخر عمر شریف و با برکت خود در یکی از جلسات برای خواصّ أصحاب خودشان از روی نسخۀ خطّی آیة الحقّ مرحوم آیة اللَه حاج میزا علی قاضی طباطبائی که بنام «صَفَحاتٌ منْ تاریخ الأعلام» بقلم فرزند ایشان نوشته شده است، بیان فرموده، به عمل و مداومت آن تأکید نمودند و مخصوصاً به طلّابی که با حضرتش مأنوس بودند، أمر کردند آنرا در دفتر خود ثبت نمایند [لذا این حقیر از روی نسخۀ ایشان در کتابخانۀ معظّم له استنساخ نمودم] اینک متن عربی آن را با استفاده ترجمه و توضیح مختصر آن بزرگوار به علاقمندان تقدیم می نمائیم و آن متن از این قرار است:

 «أَلْحمدُ للهِ رَبِّ العالمین، وَ الصَلوةُ وَ السلامُ علی الرَّسولِ الْمبینِ وَ وَزیرهِ الْوصی الأَمین وَ أبْنآئهُما الْخلفاءِ الرَّاشدین وَ الذُّریة الطاهرین وَ الخَلَفَ الصالح وَ الماءِ الْمعین صَلّی اللَه وَ سلّمَ علیهمْ أجْمَعینَ».

 «حمد مختصّ ذات أقدس پروردگار عالمیان است. و صلوات و سلام خدا و فرشتگان مقرّب و همۀ جهانیان، بر فرستادۀ آشکار او، و بر وزیر و وصی أمین آنحضرت، أمیرالمؤمنین؛ و بر فرزندان آن دو بزرگوار که خلفاء راشدین و راه یافتگان و راهنمایان به حقّ و صراط مستقیم، و ذرّیۀ طاهرین آنان می باشند باد. و درود و سلام بر خلف صالح و جانشین بحقّ و شایستۀ آنها باد که آب گوارا بر کام تشنۀ اُمّت و شیعیان می باشند.

 «صَلَّی اللَه وَ سَلّمَ علیهمْ أجْمعینَ» درود و سلام خداوند بر همۀ آنان باد.»

تَنبهْ فَقدْ وافَتكمُ الْأشهُرُ الْحرُمْ \*\*\* تَیقظْ لكی تَزدادَ فی الزَّادِ وَ اغْتنمْ (١)

فقُمْ فی لیالیها وَ صُمْ منْ نهارها \*\*\* لِشكر إلهٍ تَم فِی لُطْفه وَ عَمّْ (٢)

وَ لا تَهجَعَنْ فی اللَیل إلاَّ أقَلَّهُ \*\*\* تَهَجّدْ وَ كمْ صَبٍّ من اللَیل لَمْ ینَمْ (٣)

وَ رتِّلْ كتابَ الْحَقِّ وَ اقرأَهُ ماكثاً \*\*\* بِأَحْسن صوتٍ نورُهُ یشرقُ الظلمْ (٤)

فَلمْ تحظَ بَلْ لَمْ یحظَ بِمِثْله \*\*\* وَ أخْطأَ مَنْ غیرَ الذی قُلْتُهُ زَعمْ (٥)

وَ سلِّمْ علی أَصْل القُرانِ وَ فصلِهِ \*\*\* بَقِیة آل اللَه كنْ عبْدَهُ السَّلمْ (٦)

فَمنْ دانَ للرَّحْمن فی غیرِ حُبِّهمْ \*\*\* فَقَدْ ضَلَّ فی إنكارهِ أعظمَ النِّعمْ (٧)

فَحُبهمْ حُبُّ الالهِ اسْتعذْ به \*\*\* هُمُ الْعروَةُ الوُثقی فَبالعرْوَة اعْتصمْ (٨)

فلاتَك باللاهی عن الْقول وَ اعْتَبرْ \*\*\* معانیه كی تَرْقی إلی أرْفَع الْقمَمْ (٩)

عَلیك بِذكر اللَه فی كلِّ حالةٍ \*\*\* وَ لا تَن فیهِ لا تقُلْ كیفَ ذاوكم! (١٠)

فهَذا حِمی الرَّحمن فادْخلْ مُراعیا \*\*\* لِحرماته فیها عَظِّمْهُ وَ التزمْ (١١)

فَمَنْ یعتصم باللَه یهْدَ صراطُهُ \*\*\* فإنْ قُلْتَ رَبِّی اللَه یا صاحِ فاسْتقمْ (١٢)

١ـ آگاه و متوجه باش! که ماه‌های حرام (رجب و شعبان و رمضان که در نزد أهل عرفان ماه‌های حرامند) از راه رسید؛ بیدار باش! تا اینکه برای مسافرت خویش توشه برداری و این فرصت را از دست مده و غنیمت بشمار!.

٢ـ شب‌های آن را به بیداری و روز‌های آن را به روزه گرفتن سپری نما، بشکرانۀ اینکه خداوند لطف خویش را عام و شامل همگان فرموده است!.

٣ـ و شب را جز به مقدار کمی استراحت و خواب سپری مکن؛ و نماز شب را بنحو تهجّد و بیدار و خواب بجای آور (یعنی چند رکعتی نماز بخوان و مقداری بخواب و سپس بیدار شو و به همین ترتیب عمل نمای، تا نافلۀ شب پایان پذیرد) و چه بسیارند عاشقانی که هرگز در شب نمی خوابند!.

٤ـ و کتاب حقّ را تلاوت نمای و آنرا با بهترین صوت و زیباترین نغمه و آرام آرام قرائت کن، چرا که ظلمت‌ها و کدورت‌ها را تبدیل به نور و روشنائی می نماید.

٥ـ پس تو بهره مند نشدی، بلکه هیچکس از چیزی به مانند قرآن بهره نبرده است! و هر کس غیر از گفتۀ مرا بگوید سخت در اشتباه فرو رفته، مرتکب خطا گردیده و گمان او گمان باطلی خواهد بود!.

٦ـ و سلام بفرست بر أصل قرآن و فصل آن (که مقصود محمّد و آل محمّد صلوات اللَه علیهم أجمعین هستند) که آنان باقیماندگان آل اللَه می باشند و در برابر آنان عبد محض و تسلیم و بدون اراده باش!.

٧ـ هر کسی که در غیر حبّ آنها خود را در ذمّۀ خداوند رحمن درآورد و به اندازۀ ذرّه ای از محبّت غیر آنها در دل راه دهد، او محققاً گمراه شده و منکر نعمت ولایت آنان گردیده؛ و در این انکار خود نعمت‌های پروردگارش را از دست داده است!.

٨ـ پس محبّت به آنها محبّت به خداوند است و در این صورت تو خود را در پناه حبّ خداوند درآور!.

٩ـ و دربارۀ قرآن کوتاهی مکن و آنرا از روی لهو و لعب قرائت منمای و در معانی آن دقّت کن تا بواسطۀ دقت در قرآن به بالاترین ذروه از قلل مجد و شرف نائل آئی!.

١٠ـ و در هر حال بر تو باد که ذکر و یاد خدا؛ و مبادا کوتاهی کنی در قرائت قرآن و ذکر پروردگار و هیچگاه در این مورد عذر نیاور که: چگونه و چه مقدار به یاد او باشم. (یعنی اشتغال به امور دنیوی و تراکم شواغل و مشاغل تو باعث نشود که در این دو مهمّ سستی و تکاهل ورزی و آنرا بعنوان عذر برای خویش تلقّی نمائی

١١ـ این ماه‌ها (رجب و شعبان و رمضان) قرقگاه‌های خداوند است، پس در این قرقگاه داخل شو، اما حرمت آنرا پاس بدار و آنها را معظّم داشته، ملتزم به رعایت آداب آن باش.

١٢ـ پس هر کسی که به خداوند معتصم شود (دست به دامان رحمت و جمال و جلال او دراز نماید و به ریسمان او چنگ بزند) خود را در صراط او می یابد و اگر گفتی «ربّی اللَه» ای گوینده! روی این کلام ایستادگی نمای و دست از آن برندار.

 «قالَ عَزَّ منْ قائلٍ: ﴿وَ مَنْ يعتصِم بِاللَه فقَدْ هُدي إلَي صِراطٍ مستقيمٍ﴾.[[1]](#footnote-1)

 وَ قالَ: ﴿وَ اسْتقمْ كمآ أمرْتَ...﴾.[[2]](#footnote-2)

 وَ قالَ جلَّ جلالُهُ العَظیمُ: ﴿إنَّ الذين قالوا رَبُّنا اللَه ثمَّ استَقَموا تتَنَزَّلُ عليهمُ الملئكة... ﴾.[[3]](#footnote-3)

«خداوند عزیز می فرماید: «و هر کسی که اعتصام به خدا پیدا کند براستی در صراط مستقیم و راه راست هدایت شده است».

و نیز فرموده است «به آنچه که مأموریت یافتی پایداری و استقامت نما!»

و نیز پروردگار که دارای جلال و مجد و عظمت است می فرماید: «براستی آن کسانیکه بدین معنی اقرار نمودند که: پروردگار ما «اللَه» است و پس از این اقرار و اعتراف، استقامت و پایداری را پیشۀ خود ساختند، ملائکۀ پروردگار بر آنها فرود می آیند......»»

 «انتبهوا إخوانی الأعزَّة وَفقَکمُ اللَه لطاعتِهِ، فَقَدْ دَخلنا فی حِمی الأشَهرِ الْحرُمِ، فَما أعظم نِعَم الْباری علینا وَ أتَمَّ؟!

فالْواجِبُ علینا قَبْلَ کلِّ شیءٍ التوبَةُ بشُروطها اللازمَةِ وَ صَلَواتُها الْمعْلُومَةِ ثُمَّ الاحتمآء مِنَ الکبائِرَ وَ الصَّغائِرِ بِقدْر القُوَّة.»

«هان ای برادران عزیز و گرامیم ـ که خدای شما را در طاعت خود موفّق بدارد ـ آگاه باشید! متوجه و هشیار باشید که ما در قُرقگاه داخل شده ایم و همانگونه که در زمین‌های حرم باید از محرّمات اجتناب نمود و ارتکاب یک سلسله اعمالی که در حرم جرم نیست در آنجا جرم محسوب می شود، در این ماه‌ها هم که قرقگاه زمانی محسوب می شود چنین است و باید با هشیاری و مواظبت در آن وارد شد، و به همان نحو که در قرقگاه مکانی که حرم است، انسان به کعبه نزدیک می شود، در این ماه‌ها هم که قرقگاه زمانی است، انسان به مقام قرب خداوند می رسد. پس چقدر نعمت‌های پروردگار بر ما بزرگ و تمام است؟! و او هرگونه نعمتی را بر ما تمام نموده است؟!.

پس حال که چنین است، قبل از هر چیز آنچه که بر ما واجب و لازم است، توبه ایست که دارای شرایط لازمه و نمازهای معلومه است (مقصود همان دستور توبه ایست که رسول خدا صلی اللَه علیهِ وَ اله و سلم در ماه ذوالقعدة الحرام داده اند و در کتب ادعیه مثل «مفاتیح الجنان» آمده و چهار رکعت نماز دارد.)

و پس از توبه، واجب ترین چیز بر ما پرهیز از گناهان صغیره و کبیره است تا جائیکه توان و قدرت و استطاعت داریم!.»

 «فَلَیلَةُ الجُمُعه أوْ یوْمُ الأحدِ تُصَلوُّنَ صَلوةَ التوبة لیلةَ الْجمعَةِ أوْ نهارِها؛ ثُمَّ تعیدُونها یوْمَ الأحَدِ فی الْیومِ الثانِی مِنَ الشَّهْرِ.

 ثُمَّ تلتزمونَ المراقَبَة الصَّغْری وَ الکبْری وَ المُحاسَبَةَ وَ المُعاتَبَة بِما هُوَ أحْری. فَإنَّ فیها تَذْکرةً لِمَنْ أرادَ أن یتَذَکرَ أوْ یخْشی.»

«پس (ای برادران عزیر) دستور توبه را در شب جمعۀ اول ماه (رجب) یا روز جمعه؛ و یا روز یکشنبۀ آن، انجام داده نماز توبه را بخوانید؛ سپس آنها را در روز یکشنبۀ دوّم همان ماه تکرار و اعاده نمائید.

سپس ملتزم شوید به مراقبه، چه مراقبۀ صغری (باز داشتن نفس از آنچه که خداوند بدان راضی نیست) و چه مراقبۀ کبری (نگاه داشتن دل از آنچه محبوب نمی پسندد).

و نیز خود را وادار به محاسبه (حساب کشیدن از نفس) و معاتبه (سرزنش نمودن در صورت لغزش) و معاقبه (تنبیه نمودن نفس در صورت ارتکاب خلاف) به آن چیزی که شایسته و سزاوار است نمائید.

پس براستی هر کسی که در صدد متذکر شدن به ذکر حقّ و در مقام خشیت از ذات اقدس حضرت حقّ متعال بوده باشد می تواند از راه مراقبه و محاسبه و معاتبه و معاقبه متذکر گردد!.»

 «ثُمَّ اقْبَلوا بقلوبکمْ وَ داوُوا أمراضَ ذُنوبکمْ وَ هَوَّنُوا بالْإسْتغْفار خُطُوبَ عُیوبِکمْ.

 وَ إیاکمْ وَ هَتْک الْحرماتِ فَإنَّ مَنْ هَتَک وَ إنْ لَمْ یهتک الکریمُ علیهِ فهُوَ مَهْتوک.

 وَ أنّی یرْجی النزجاةُ لِقلبٍ ارتبکتْ فیهِ الشُّکوک حتی یسلِک سَبیلَ المتقینَ وَ یشْربَ منَ المآءِ الْمَعینِ مَعَ الْمُحسنین؟! وَ اللَه الْمستعانُ علی نَفْسی وَ أنْفسِکمْ وَ هُوَ خیرُ مُعینٍ».

«پس از این مرحله، با دل‌های خود بخداوند رو آورده، بیماری‌های گناهانتان را معالجه و مداوا نمائید و بوسیلۀ استغفار، بزرگی و سنگینی عیوب خود را کاهش دهید.

و بپرهیزید از اینکه حریم الهی را بشکنید و پرده‌های حجاب را بالا زده حرمت حرم را هتک نمائید!

زیرا براستی چنین شخصی در نظام تکوین بی آبرو و مهتوک است گرچه خداوند کریم از روی کرمش، بحسب ظاهر آبروی او را حفظ نماید؛ و همین جزای اوست و نیازی به مجازات پروردگار ندارد!.

و کجا امید نجات است برای دلی که شبهات وارد آن شده در او نفوذ نموده است؟! (یعنی یکی از واجبات و لوازم حتمیۀ سلوک إلی اللَه، یقین داشتن به مبدأ و معاد و حقانیت طریق و شیخ و استاد است، و در صورت پیدایش کمترین شک و تردیدی سالک خودبخود از حرکت باز می ماند. بنابراین، محال است با وجود شک، سالک از مهلکه نجات پیدا نماید.) و چنین شخصی هرگز نمی تواند در راه متقین قدم بردارد؛ و هیچگاه قدرت ندارد به مقام محسنین راه یابد و با آنان از چشمۀ آب گوارا بنوشد.

و خداوند تنها محلّ اتّکای من و شما است و او بهترین یار و یاور می باشد.»

 «١ـ عَلیکمْ بالْفرائض فی أَحْسن أوقاتها وَ هی مَعَ نوافلها الإحْدَی وَ الخمْسین. فانْ لَمْ تتَمَکنُوا فبأرْبَعٍ وَ أرْبعینَ. وَ إنْ مَنعتکمْ شواغِلُ الدُّنْیا، فَلا أقَلَّ مِنْ صلوة الْأوَّابین.

 ٢ـ وَ أما نَوافلُ اللیلِ فلا محیصَ منها عنْدَ المؤْمنین. وَ العجبُ ممَّنْ یرومُ مرْتبةً مِنَ الکمالِ وَ هُوَ لا یقُومُ اللیال! وَ ما سَمعنا أحَداً نالَ مرْتبةً مِنهُ إلا بِقیامِها.»

و اما دستورالعمل این سه ماه:

«١ـ بر شما باد به اینکه نمازهای فریضۀ خود را با نوافل آن که مجموعاً پنجاه و یک رکعت است، در بهترین اوقاتشان انجام دهید؛ و اگر نتوانستید چهل و چهار رکعت آنرا بجا بیاورید.

چنانچه باز هم شواغل دنیا شما را بازداشت، حتماً نافلۀ ظهر را که به او «صلوة أوّابین» می گویند، انجام بدهید.

و نماز ظهر را هم در وقت فضیلت انجام دهید که در قرآن بدان تأکید شده و مراد از صلوة وُسطی» همان نماز ظهر است.

٢ـ و امّا در مورد نافلۀ شب بخصوص باید بدانید که: انجام دادن آن در نظر مؤمنین و سالکان حضرت معبود از واجبات است و هیچ چاره ای جز أتیان آن نیست! و تعجّب است از کسانی که قصد رسیدن به مرتبه ای از مراتب کمال را داشته ولی به قیام شب و انجام نوافل آن بی توجّه هستند!

و ما هیچگاه ندیده و نشنیده ایم که احدی به یک مرحله و مرتبه ای از کمال راه یافته باشد مگر بواسطۀ برپاداری نماز شب!»

 «٣ـ وَ عَلیکمْ بِقرائةِ الْقرآنِ الْکریم فی اللَیل بِالصوتِ الْحَسَنِ الْحزین، فهُوَ شرابُ الْمُؤمنین.

 ٤ـ وَ علیکمْ بالتزام الْأوْراد الْمعْتادَة التی هی بید کلِّ واحدٍ منْکمْ. وَ السّجْدَةِ الْمَعهُودَةِ مِنْ ٥٠٠ إلی ١٠٠٠.»

«٣ـ بر شما باد به قرائت قرآن کریم در نافله‌های شب که انسان را حرکت داده، سیر او را سریع می نماید و برای او بسیار مفید است. تغنّی به قرآن، انسان را بخدا نزدیک می کند! بخلاف غنای محرم که آدمی را به لهو می کشاند. پس تا می توانید در شب‌ها قرائت قرآن کنید، چرا که قرائت قرآن شراب مؤمنین است.

٤ـ بر شما باد اینکه: به انجام دادن اوراد و أذکاری که هر یک از شما بعنوان دستور در دست دارید، ملتزم و متعهد باشید!.

و بر شما باد به مداومت سجدۀ یونسیه و گفتن ذکر یونسیه: ﴿لا إلهَ إلا أنتَ سُبحانك إني كنْتُ مِن الظالمين﴾ در سجده از پانصد تا هزار مرتبه.»

 «٥ـ وَ زیارَة المشْهد الْمعظَّم الْأعظم کل یومٍ. و‌ إتیانُ الْمساجدِ الْمعظَّمَة ما أمْکنَ. وَ کذا سائِرَ الْمساجدِ. فَإنَّ الْمُؤْمن فی الْمسجد کالسَّمَکة فی المآءِ.

 ٦ـ وَ لا تترُکوا بَعدَ الصلواتِ الْمفروضاتِ تسبیحةَ الصِّدیقة صلواتُ اللَه علیها، فإنَّها مِنَ الذِّکر الکبیر. وَ لا أقَلَّ فی کلِّ مَجْلِسٍ دوْرَةٌ.»

«٥ـ بر شما باد به زیارت مشهد اعظم، که مراد همان حرم مطهر امیرالمؤمنین و قبر نورانی آن بزرگوار است. و نیز سایر مشاهد مشرفۀ اهل البیت علیهم السلام و مساجد معظمه مانند: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، مسجد سهله و بطور کلی هر مسجدی از مساجد! زیرا مؤمن در مسجد، همانند ماهی است در آب دریا!.

٦ـ و هیچگاه پس از نمازهای واجب خود، تسبیحات حضرت صدیقه صلَوات اللَه علیها را ترک ننمائید، زیرا این تسبیحات، یکی از انواع «ذکر کبیر» شمرده شده است.»

 «٧ـ وَ مِنَ اللازمِ الْمُهمَّ الدُّعآءُ لفرجِ الْحجَّة صَلواتُ اللَه عَلیهِ فی قُنوتِ الْوتر. بَل فی کلِّ یومٍ و فی جمیع الدَّعوات.

 ٨ـ وَ قراءةُ الْجامعة فی یومِ الجُمُعة أعْنی الجامعةَ الْمعروفَةَ الْمشروحَة.

 ٩ـ وَ لا تَکونُ التلاؤَة أقلَّ مِنْ جزْءٍ.»

«٧ـ یکی از وظائف مهم و لازم برای سالک إلی اللَه، دعا برای فرج حضرت حجّت صلوات اللَه علیه در قنوت «وَتْر» است. بلکه باید در هر روز و در همۀ اوقات و همۀ دعاها، برای فرج آن بزرگوار دعا نمود.

٨ـ و یکی دیگر از وظائف لازم و مهم، قرائت زیارت جامعه، معروف به «جامعۀ کبیره» در روز جمعه است.

٩ـ لازم است که قرائت قرآن حتماً کمتر از یک جزء نباشد.»

 «١٠ـ وَ أکثروا منْ زیارة الإخوان الأبرار؛ فإنهمْ الاخْوانُ فی الطریق وَ الرَّفیقُ فی المضیق.

 ١١ـ وَ زیارة القبور فی النَّهار غبّاً وَ لا تزورُوا لیلاً.

 مَا لنا..... وَ للدُّنْیا؟! قَدْ غرَّتْنا! وَ شَغلتْنا وَ اسْتهوَتنا وَ لیسَتْ لَنا!!.

 فَطوبی لرجالٍ أبْدانُهمْ فی الناسوت وَ قلوبُهُمْ فی اللاهوتِ.... اولئک الأقلونَ عدَداً...... وَ الأکثرونَ مَدَداً..... أقولُ ما تسْمعونَ. وَ أَسْتغفرُاللَه.»

«١٠ـ تا می توانید بسیار به دیدار و زیارت برادران نیکوکار خود بشتابید، چرا که براستی آنها برادرانی هستند واقعی که در تمام مسیر، همراه انسانند و با رفاقت خویش، آدمی را از کریوه‌های نفس و تنگناها و عقبات آن عبور می دهند!.

١١ـ به زیارت اهل قبور ملتزم باشید ولی نه بصورت مداوم و همه روزه (مثلاً در هفته، یک روز انجام بگیرد) و نباید زیارت قبور در شب واقع گردد.

ما را با دنیا چه کار؟! براستی دنیا ما را فریب داده، به پستی و ذلّت کشانید! ما را از مقام عزت و رفعت پائین آورد! و دنیا پست تر از آنست که برای ما هدف قرار گیرد! پس آن را برای اهل دنیا واگذارید!!.

پس به به! خوشا بحال آن مردانی که بدن‌های آنان در این عالم خاکی است ولی قلوبشان در عالم لاهوت، یعنی در عالم احدیت و واحدیت و عزّ پروردگار در پرواز می باشد!.

و این افراد، اگر چه از نظر تعداد بسیار کم هستند ولیکن از نظر قوّت و مدد و از جهت واقعیت و اصالت و حقیقت دارای اکثریت می باشند.

من می گویم آنچه را که شما می شنوید و از ذات اقدس حضرت حق طلب مغفرت می نمایم.» (١٣٥٧ ه ق)

این دستوراتی است که مرحوم قاضی به شاگردان خود داده است ، و رفقا این دستورات را در این سه ماه انجام می دهند ؛ البته این اعمال را در حد امکان ، هر کسی که نمی تواند هر روز را روزه بگیرد حتی الامکان ٥ روز از رجب و ١٠ روز از شعبان را بگیرد، خلاصه بحسب ملاحظه مزاج و قوه و حال و استعداد بگیرد.

 و قراءة القرآن در شب علی حد قدرة .

اگر می توانی نخواب و اگر کسی نمی تواند همه شب را نخوابد ؟ صب باشد ، صب یعنی جگر سوخته ، بیدار خوابی کند، شب زود بخوابد و سعی کند بیدار خواب کند طوری که بدن استراحت خود را بگیرد.

؟ مرحوم قاضی اول شب می خوابیدند بعد نماز می خواندند و بعد می خوابیدند و باز نماز می خواندند ، همینطور تا دو ساعت به اذان که دیگر نمی خوابیدند ، مرحوم آخوند ٣ ساعت به اذان صبح بیدار بودند، اگر نافله شب را بجا نیاورید فائده ندارد و عرفان معنی ندارد.

عرفان به عمل است نه به گفتن!

اللَهم صل علی محمد و علی محمد

1. سوره آل‌عمران (3)، ذيل آيۀ ١٠١. [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره شوری (42)، قسمتي از آيۀ ١٥. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره فصّلت (41)، صدر آيۀ ٣٠. [↑](#footnote-ref-3)